

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین، 22 اکتوبر 2009

ضمن سفرهای بیشمار از کران تا کران ایران، آشنائی با مردم و فرهنگ آن سامان دست داد. هر شهری را دیدم و آثار و ابدات تاریخی آن را از نظر گذشتاندم. بیشترین مصروفیتیم در ایران مگر تماس با هموطنان حقیر و فقیرم در آنجا بود، که از کد یمین و عرق جبین پولی بدست آورده وسائل امرار مُعاش چوچ و پوچ خود را فراهم میکردند. این انسانان زحمتکش و باغیرت، که عار داشتند از جائی کمکی بدست آرند، آزاده و سر بلند زیستند. با وجودی که از برکت ملیونها افغان زحمتکش و کم توقع چرخهای اقتصادی آن کشور بدوران آمده و صدها و هزاران دستگاه و ساختمان و سرک و پارک و فابریک و غیره به یمین همت و مساعی شباروزی آنها آباد گردید، این مهمانان ناخوانده مع الاسف مورد بی مهری چندگانه قرار میگرفتند. این مهمانهای بی آزار که از بد حادثه بدانجا پناه آورده بودند، با وجود همه جانفشانی ها و خدمات بی مثال، هم مورد اذیت و آزار رژیم ددمنش آخوندی و دستگاههای اوباش آن قرار میگرفتند و هم مورد بی مهری اکثریت بزرگ مردم آن سامان. به تأکید میگویم، مورد بی مهری "اکثریت بزرگ" مردم آن سامان و نه "تمام" ایشان. چون بودند و هستند ایرانیان کریم و رحیم و دلسوزی که به داد این مهمانان پناجوی و درمانده میرسیدند و از هیچگونه بذل مساعی در حقشان دریغ نمی ورزیدند، که حسابشان کاملاً جداست و اجر شان هم بر خدا!!!!

بنده مسکین در چار دانگ ایران به سرنوشت این هموطنان کم بخت و پناهندگان بی پناه ما، علاقه گرفت و چون هیچ کمک دیگری ازش ساخته نبود، لاقلاً دردهای جانکاهشان را یادداشت کرد. حاصل این یادداشت ها دفتریت، که "دفتر خاطرات ایران" اش مسمی ساخته ام. زمانی در سایت "افغان جرمن آنلاین" به نشر این خاطرات مبادرت ورزیده و هفده قسمت آن را در آنجا نشر کردم. اینک که پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" لله الحمد در اختیار ماست، میکوشم تمامی این خاطرات را از طریق همین صفحه باوقار و مبارز تقدیم هموطنان ارجمند نمایم. در اول همان هفده قسمت را که در سایت "افغان جرمن آنلاین" منتشر ساخته بودم، تقدیم کرده و سپس متباقی قسمت ها را عرضه خواهم کرد. آرزومندم که ضمن پیشکش کردن این خاطرات، شمه ای از دردهای بیکران هموطنان مظلوم را در ایران منعکس ساخته بتوانم.

## روتسکوی – "قهرمان افغانستان"؟

“Ruzkoi - „Afghanistan-Held“

( "دفتر خاطرات ایران" )

( برگ بیستم )

موضوعی را که اینک رقم میزنم، اصلاً باید از اقامتگاهم در برلین مینوشتم. اما تقدیر چنان رفته بود، که با اغتنام فرصت و با فراغت (1) از دغدغه خاطر، ازین گوشه دنیا بدان بپردازم :

از مدتهاست که در مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی المان، از "الکسندر روتسکوی" Alexander Ruzkoi – پیلوت اردوی هزیمت خورده سرخ در افغانستان – بنام "قهرمان" یاد کرده و او را مشخصاً "قهرمان افغانستان"

و یا "قهرمان جنگ افغانستان" (Afghanistan-Held) می نامند. اینکه این کار را در آلمان به تقلید از مطبوعات و تداول روسیه میکنند و یا که این کار بی معنی از ابتکارات سالوسانه خود آلمانهاست، برای این یادداشت اهمیتی ندارد. خواه آن صورت و خواه این صورت، ولی در هر صورت، نامیدن یک سپاهی و یک افسر یک سپاه شکست خورده و هزیمت یافته در افغانستان را هیچ کس حق ندارد، به حیث "قهرمان جنگ افغانستان" قلمداد نماید!!!!

همه جهان و جهانیان میدانند که اردوی سرخ روسیه در میدانهای نبرد افغانستان نه تنها کدام فتح و نصرت و ظفری را کسب نکرد، بلکه با تحمل تلفات سنگین شکست خورد و سرشکسته و با مورال باخته از افغانستان رانده شد. ازینرو هیچ کس - هر قدر دورگویی و دروغ باف هم باشد - حق ندارد، که هیچ فرد منسوب به چنین یک سپاه و اردوی "مغلوب" را با نام فاخر "قهرمان" مفتخر بسازد!!!!

البته اگر روسها "روتسکوی" را به خاطر جانفشانی هایش در جنگ افغانستان و بخاطر اینکه دوبار طیاره اش در زمان جهاد مورد اصابت گلوله قرار گرفت و با وجود آن مأموریت خود را موفقانه پیش برده بود، لقب "قهرمان اتحاد شوروی" و یا "قهرمان روسیه" اعطاء کرده باشند، قابل درک است. اما آلمانها چرا؟ چرا مطبوعاتیان "گشنه پرزور" (2) آلمان "روتسکوی" را که بیشتر از چهار صد عملیات بمباردمان را در افغانستان انجام داده و بدون شک خون هزاران افغان آزادیخواه و افغانان بیگناه و ویرانی صدها خانه و کاشانه و مزرعه و روستا و قریه را در افغانستان به گردن دارد، با چنین یک لقب زنند (3) مفتخر سازند؟؟ اگر تبهکاری و جنایت اساس کسب افتخارات باشد، چرا چنگیز و هلاکو و تیمور و هیتلر را ازین نعمت بی بهره میدارند؟ اگر به دل مطبوعاتیان آلمانی باشد، شاید "آدولف هیتلر"، بزرگترین جنایتکار و قاتل قرن بیستم را که روی همه قاتلان تاریخ را شست، هم روزی "قهرمان" خطاب نمایند

نمیدانم چرا در همین لحظه عنان سخن بسوی "اصفهان" میروند و به زیبایی هایش؟؟ راه دیگری ندارم، غیر ازین که بگویم :

### "از گپ گپ میخیزه"

چار سال پیش بود که برای یک هفته از اصفهان دیدن کردم. "اصفهان" اصلاً کلمه عربی و معرب "سپاهان" است، مگر امروزه روز هیچ کس نام قدیم و اصیل این بلده (4) را بکار نمیبرد. وقتی پای به اصفهان نهادم، روزگاری بیادم آمد که شاه جوان افغان، "محمود هوتکی"، بساط سلطنت کنهسال صفوی را برچید و امپراتوری افغان را در خاک فارس بنیاد نهاد. پیش از آن مگر سالها جفا بر سر مردم و خاک ما رفته بود و جفاهائی را که رژیم سفاک و فرتوت صفوی در ساحه تحت سلطه شان در وطن ما مقرر و مرعی داشته بود، از حافظه تاریخ زدوده نشده است. این جفاها مگر اول از همه مردم غیور قندهار به سرگردگی مرد مدبری چون "میرویس خان هوتکی" را بر آن داشت، تا راه اساسی را بسنجند و راه اساسی جز این نبود، که سلطه بیگانه را از خاک پاک افغان برویند. همان بود که در جرگه "مانجه" (5) در سی مایلی اطراف قندهار پلان کار را ساختند.

آنچه میرویس خان هوتکی انجام داد و فرزند رشید و برومندش "محمود جوان" آن را تا مرکز قدرت دولت صفوی به اصفهان کشانید، از یاد تاریخ نمیروند. از یاد تاریخ نمیروند، که شاه حسین صفوی، آن شاه کهنسال یک مملکت قوی، تاج شاهی را خود بر فرق شاه افغان، اعنی "شاه محمود جوان"، نهاد و شاهی را به او تبریک گفت. تاریخ این نکته را نیز به یاد دارد، که زمامدار جوان افغان در همان مجلس تاجپوشی، شاه حسین مخلوع را "پلار" و "پدر" خطاب کرده و تعهد سپرد، که در پیشبرد امور کشورش، "فارس"، مشورتهای پیرانه آن شاه را که دیگر شاه نیست، بلکه در دربار شاه است، بکار بگمارد.

به هر حال آنچه به تاریخ مربوط است، بگذاریم که مربوط به تاریخ باشد و از امروز گپ بزنیم: شهر اصفهان شاید زیباترین شهر ایران باشد، با ابنیه معظم تاریخی آن. "میدان شاه عباس کبیر"، که اکنون به "میدان امام خمینی" تغییر نام داده است، با قصر شاه و دو مسجد بزرگش خیلی جالب و دیدنیست. وقتی قصر شاه عباس را میدیدم، اتاقی مخصوص از نظرم گذشت، با ساختمانهای عجیب و طاق و رواقهای خرد و بزرگش. میگفتند، که این اتاق خاصیت عجیب انعکاس آواز را دارد و خصوصاً موسیقی را به بهترین وجهی به هوا میپراگند و تأثیر آن را چند برابر و چند چندان میسازد.

از پلی موسوم به "سی و سه پل" دیدن کردم و از منطقه ترسانشینان و زردشتیان اصفهان. از "منار جنبان" دیدن کردم، که مرکب از دو برج است، که در فاصله معین و به عین ساخت و ابعاد ایجاد گردیده است. و گویند، که وقتی جنبشی در یکی از برجها ایجاد گردد - مثلاً کسی در یک برج خیزک و جستک بزند - عین جنبش در برج دوم نیز خود بخود برپا میگردد. این نکته از نگاه فزیک و خصوصاً فزیک "اوپتیک" و "برق"، قابل درک است. چون ابعاد کاملاً برابر و مساوی دو جسم و دو مدار، باعث میشود، که "رزونانس" انتقال بیاید و بزرگترین "امپلیتود" در "رزونانس" ایجاد میگردد.

برای شخص خودم، از همه جالب تر مگر قصر "چهل ستون" اصفهان بود، که اکنون بشکل موزیم و بگفته اینجائی "موزه" درآمده است. ایرانیان اکثر کلمات فرنگی را از زبان فرانسوی اخذ کرده اند و "موزه" هم تلفظ فرانسوی از کلمه ایست، که در انگلیسی "موزیم" تلفظ کنند. قصر "چهل ستون" که از دوران شاهان صفوی به یادگار مانده، در واقع بر "بیست" ستون نهاده شده است، ولی چون این بیست ستون در مقابل حوضی بزرگ از آب مصفا قرار دارد، تصویر بیست ستون در آب هم به آن اضافه گردیده و مجموعه "چهل ستون" را می سازد. داخل موزه "چهل ستون" گشته و به تماشای آثار تاریخی پرداختم. بهترین و جالب ترین آثار این موزیم را دو "سکه" یافتیم. بلی؛ دو "سکه" ای که بنام "محمودی" و "اشرفی" یاد میگردند. این دو "سکه" که از زر خالص و طلای ناب در زمان زمامداری "شاه محمود هوتکی" و "شاه اشرف هوتکی" در اصفهان ضرب زده شده اند، به همین نام یاد میگردند. بلی؛ به نامهای "محمودی" و "اشرفی" که یادگار شاهان افغان در فارس است، چشم و چراغ این موزه را میسازد. در موزیم تصاویر تاریخی هم به نظر میرسیدند، که گوشه های تاریخ را بصورت مصور نمایش میدادند.

کرمان - هوتل ناز ، اتاق 330

ساعت 22 شب 23 مارچ 1994

### توضیحات:

- 1 - "فراغت" کلمه عربی - مصدر جعلی - و در معنای "آسودگی" و "فارغ بودن" است.
  - 2 - "گشنه پر زور" (بدون کسره اضافه) اصطلاح عامیانه کابلیست و برای کسی گفته شود، که زورش کم و قهرش بسیار باشد.
  - 3 - با وجودی که "زنند" مخفف "زننده" است که صفت فاعلی از مصدر "زدن" میباشد، اما در تداول دری کابلی از آن وظیفه "صیغه مبالغه" را گرفته و در مفهوم "بسیار زننده" بکار میبرند. البته در دری عامیانه کابلی ازین سیاق کلمات دیگر هم داریم؛ چنان که "شکنند" (به کسر نون اول) در معنای "بسیار شکننده" و "خورند" (به کسر راء) در معنای "بسیار خورنده" و "کُندند" (به کسر نون اول) یعنی "بسیار کننده" بکار رود. مثلاً گویند: "خداوند کُند کارهاست" یعنی "خداوند، مُجری همه امور است." و این وجیزه نافذ، حکم یک "ضرب المثل" را دارد.
  - در متن "مفتخر ساختن" روتسکوی" به لقب "قهرمان" را یک کار "زنند" نوشتم، بدلیل اینکه چنین کاری واقعاً توهین به لقب فاخر "قهرمان" است. عین چنین یک بدعت را در همین چند هفته پیش از "کمپته جایزه صلح نوبل" شنیدیم و شنیدیم که جایزه صلح نوبل امسال را به "بارک اوباما" اعطاء کردند. واقعاً می بینیم، که این کوتاهنظران بزرگترین "جایزه صلح" را در خدمت "جنگ" آورده اند.
  - 4 - "بلده" (به فتح اول) در معنای "شهر" است که جمعش "بلاد" (بکسر اول) و یا "بُلدان" (به ضم حرف اول) است. مثلاً "مُعجم البُلدان" که کتاب مشهور "یاقوت حموی" در جغرافیه است. بعض کسان "بلده" را به ضم اول تلفظ میکنند، که درست نیست، چون "بلده" به ضم اول معنای دیگری دارد. از نگاه صرف عربی "بلده" (بفتح اول) اسم مره" است و "اسم مره" آنست، که بر واحد "اسم" و "فعل" اطلاق گردد. مثلاً "لیله" که در معنای "یک شب" (واحد "لیل") است و "نمله" که معنای "یک مورچه" (واحد "نمل") را میدهد و "نکته" (با کاف عربی) که معنای "یکبار بونیدن" را میدهد و یا "ظفره" که در معنای "یکبار جهیدن (خیز زدن)" استعمال میگردد. دری زبانان کلمه عربی "نکته" را به "گاف" و در هیئت "نگهت" نوشته و از آن معنای "عطر" و "بوی خوش" را میگیرند. مرحوم پوهاند "نگهت سعیدی" استاد ادبیات پوهنتون کابل، نیز با وجود اطلاع ازین باریکی به عوض "نکته"، تخلص "نگهت" را انتخاب کرده بود.
  - 5 - "مانجه" که قریه ای در سی مایلی قندهار قرار است، افتخار جرگه ای را داشت، که به رهبری میرویس خان هوتکی برپا گردیده و ضمن آن پلان کار "بر انداختن" سلطه صفوی از قندهار، ریخته شد. چون این جلسه بسیار سری و محرم برپا گردیده و نتیجه دلخواه هم داد، بعد ها اصطلاح "سر مانجه" سر زبانها افتاد و کابلیان عزیز از آن "سر و مانجه" درست کردند، که از اصطلاحات معروف کابلیست.
- برای کسب معلومات بیشتر در زمینه خواننده ارجمند را به مطالعه "توضیحات" (پاورقی) مقاله بنده زیر عنوان "جرم و گناه - صغیره و کبیره" در آرشیف معروفی در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" دعوت میکنم. این مقاله با یک کلیک از لنک ذیل باز میگردد:

[http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/102908-KM-Jorm-o-Gonaah\[1\].pdf](http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/102908-KM-Jorm-o-Gonaah[1].pdf)